

پیش‌گیری از جرم در آموزه‌های قرآنی

دکتر قدرت‌الله خسروشاهی*

مقدمه

پیش‌گیری از وقوع جرم به عنوان جدیدترین رویکرد جرم‌شناختی و مؤثرترین راه مبارزه با جرم؛ امروزه جایگاه بس ارزشمندی در سیاست جنایی کشورها به خود اختصاص داده است. این جایگاه بلند در اثر ناکامی آموزه‌های کیفری و حتی دیدگاه‌های جرم‌شناختی علت‌شناسی و سایر تئوری‌های جرم‌شناختی و شناخت ماهیت بزهکاری و عوامل مؤثر بر آن و در نتیجه کنترل بزهکاری بوده است. اندیشه پیش‌گیری از جرم نه تنها در دیدگاه‌های کلاسیک و نوکلاسیک حقوق کیفری، بلکه در نظام‌های سنتی حقوق کیفری نیز مطرح بوده است. ترس از رنج و عذاب ناشی از کیفر نه تنها برای مرتکب جرم، بلکه برای دیگران نیز که اندیشه‌های مجرمانه در سر می‌پرورانند، یک عامل بازدارنده محسوب می‌شده است و به همین دلیل بوده است که همواره شدت مجازات با اهمیت جرم و خطرانی که به دنبال داشته است هماهنگ می‌گردیده است. ناتوانی و عقیم بودن حقوق کیفری در مبارزه اصولی و ریشه‌ای با بزهکاری و بی‌نتیجه ماندن پیش‌گیری کیفری از وقوع جرم موجب پدید آمدن رویکردهای جدیدی در مبارزه با این پدیده نامطلوب انسانی و اجتماعی شده است که تماماً ریشه در مفاهیم و آموزه‌های جرم‌شناختی دارد. جرم‌شناسی که با مطالعه یوزیتویستی پدیده مجرمانه پا به عرصه وجود گذاشت، پس از طی فراز و نشیب‌های متعدد در زمینه علت‌شناسی این پدیده

چگونگی مبارزه با آن امروزه به ساحل امن جرم‌شناسی پیش‌گیری^۱ رسیده است. «جرم‌شناسی پیش‌گیری، شاخه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی است که موضوع آن تعیین مؤثرترین وسایل برای تأمین پیش‌گیری از جنایت در مقیاس کل جامعه یا جمعیتی محدودتر مثلاً یک شهر یا یک محله بدون توسل به ارباب عمومی به وسیلهٔ تهدید کیفری می‌باشد.^۲

تری معتقد بود: باید در مقررات تقنینی (سیاسی، اقتصادی، مدنی، اداری و کیفری) از بزرگ‌ترین نهاد جامع تا کوچک‌ترین جزئیات هستی آن، به سازمان اجتماعی جهتی آن چنان داد که فعالیت انسانی به جای آن که بیهوده تحت تهدید کیفر قرار گیرد، بر عکس لاینقطع به طور غیر مستقیم به راه‌های غیر مجرمانه رهبری گردد.^۳ برای دفاع اجتماعی در برابر جرایم و برای اعتلای اخلاقی توده ملت، ارزش کوچک‌ترین پیشرفت در تحولات پیش‌گیری اجتماعی صد مرتبه بیشتر از ارزش انتشار یک مجموعه قانون کیفری است. تاریخ و آمار و مشاهدهٔ مستقیم پدیده‌ها این حقیقت را ثابت می‌کند که برای جلوگیری از جرایم، قوانین کیفری ضعیف‌ترین قوانینی است که تأثیر آن از هر اقدام دیگر کمتر است؛ زیرا نقش اصلی جلوگیری از بروز جرایم به عهدهٔ قوانینی است که جنبهٔ اقتصادی و سیاسی و اداری دارد.^۴ پس از مکتب تحقیقی، جرم‌شناسی پیش‌گیری، هم‌چنان کانون توجه بسیاری از جرم‌شناسان و متصدیان امور اجتماعی بوده است و تئوری‌های مختلفی نیز در این زمینه ارائه شده است. البته این رویکرد جدید نیز مانند هر ابتکار و نوآوری علمی دیگر مصون از انتقاد نمانده است به گونه‌ای که امروزه برخی از جرم‌شناسان به افق‌های جدیدی فراتر از پیش‌گیری می‌اندیشند و معتقدند باید به جای پیش‌گیری به فرایند «مدیریت^۵ خطر» اندیشید^۶ در این مقاله ابتدا تئوری‌ها و مکانیسم‌های پیش‌گیری از جرم که توسط جرم‌شناسان مطرح گردیده است را بررسی خواهیم کرد و سپس رویکرد جدید جرم‌شناختی را در آموزه‌های قرآنی مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

1. Criminologie Préventive.

(این اصطلاح اولین بار توسط آقای Y. Guillov در مقاله‌ای به همین نام در نشریه «زندان و زندانبان» در سال ۱۹۶۱ مورد استفاده قرار گرفت).

۲. ریموند گسین، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، ص ۶۸.

۳. همان، ص ۷۱. ۴. همان، ص ۸۶-۸۸.

5. Risk Management.

6. understanding crime prevention. P. 155.

بخش اول - مروری بر مفهوم و مدل‌های پیش‌گیری از جرم

الف) مفهوم پیش‌گیری از جرم

تلاش‌های زیادی توسط جرم‌شناسان برای تعریف و طبقه‌بندی پیش‌گیری از جرم انجام گرفته است، ولی در عین حال هنوز توافق روشن و صریحی در این زمینه به دست نیامده است و جرم‌شناسان هم‌چنان هشدار می‌دهند که در خصوص وجود یک تعریف واحد مورد توافق در مورد پیش‌گیری از جرم باید احتیاط کرد،^۱ حتی به نظر می‌رسد در مورد این که آیا مفهوم پیش‌گیری از جرم صرفاً بر اقدامات غیر کیفری مؤثر بر کاهش جرایم اطلاق می‌شود و یا این که شامل تأثیرات سیستم عدالت کیفری بر فرایند بزهکاری نیز می‌شود، اتفاق نظری وجود ندارد، اما با توجه به این که مفهوم جدید پیش‌گیری از جرم و مکانیزم‌های آن به دنبال عدم تأثیر سیستم عدالت کیفری بر کاهش نرخ جرم پدید آمده است، تفکیک و تمایز بین پیش‌گیری کیفری و غیر کیفری، اجتناب‌ناپذیر است و آنچه امروزه رویکردی جدید به چگونگی کنترل بزهکاری محسوب می‌شود عبارت است از کلیه اقدامات فردی و عمومی به جز اعمال حقوق کیفری با هدف از بین بردن زمینه‌های مساعد برای ارتکاب اعمالی که جرم محسوب می‌شود.

ب) مدل‌های پیش‌گیری از جرم

علی‌رغم جدید بودن رویکرد پیش‌گیری از جرم، نظریه‌پردازی‌های متعددی در مورد آن صورت گرفته است و بر اساس این نظریه‌ها مدل‌های متفاوت برای پیش‌گیری ارائه شده است که مهم‌ترین آنها را مرور خواهیم کرد:

پیش‌گیری وضعی و پیش‌گیری اجتماعی

پیش‌گیری وضعی^۲ و پیش‌گیری اجتماعی^۳

شناخته شده‌ترین مدل‌های پیش‌گیری از جرم در ادبیات جرم‌شناختی اواخر قرن بیستم، مدل پیش‌گیری وضعی و پیش‌گیری اجتماعی بوده است. به اعتقاد برخی جرم‌شناسان این دو اصطلاح اگر چه جدید هستند، اما روش‌هایی که برای پیش‌گیری از جرم تبلیغ و ترویج می‌کنند روش‌های جدید نیستند. (Gabor, 1990: 2)^۴

پیش‌گیری وضعی عمدتاً بر کاهش فرصت‌های مناسب برای ارتکاب جرم تأکید دارد و شیوه‌هایی را پیشنهاد می‌کند که اعمال آنها موجب ناتوان شدن مجرمین بالقوه و ناکام

1. ibid.P.19.

2. situational crime prevention.

3. community crime prevention.

4. Gordon Hugh. op.cit.P.20.

ماندن آنها در تحقق بخشیدن به اندیشه‌های مجرمانه می‌شود مانند نصب تکنولوژی‌های مراقبتی در اماکن عمومی مانند پارکینگ اتومبیل‌ها برای پیش‌گیری از وقوع سرقت. پیش‌گیری وضعی شامل مجموعه اقدام‌ها و تدابیری است که به سمت تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم (وضعیت مشرف بر جرم) و مهار آن متمایل است. این امر از یک سو، از طریق کاهش وضعیت‌های ماقبل بزهکاری، یعنی وضعیت‌های پیش‌جنایی که وقوع جرم را مساعد و تسهیل می‌کند، انجام می‌شود و از سوی دیگر، با افزایش خطر شناسایی و احتمال دستگیری بزهکاران انجام می‌شود.

بنابراین، پیش‌گیری وضعی، بیشتر با حمایت از آماج‌های جرم و نیز بزه‌دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی، به دنبال پیش‌گیری از بزه‌دیدگی افراد یا آماج‌ها در برابر بزهکاران است.^۱ بدون تردید یکی از عوامل مؤثر بر وقوع جرم، مناسب بودن شرایط مادی وقوع جرم است و بر هم زدن این شرایط و تبدیل کردن آنها به شرایط خطر برای مجرمین بالقوه می‌تواند تا حدود زیادی از وقوع جرم جلوگیری کند. البته این دیدگاه و مدلی که بر اساس آن برای پیش‌گیری از جرم پیشنهاد شده است مورد انتقاد برخی جرم‌شناسان قرار گرفته است؛ زیرا به اعتقاد این گروه از جرم‌شناسان شرایط فیزیکی مناسب برای ارتکاب جرم صرفاً یک عامل فرعی است و تأثیرگذاری بر این عامل نمی‌تواند مانع تأثیر عوامل اصلی بزهکاری شود و به همین دلیل از بین بردن و یا کاهش فرصت‌های جرم‌زا صرفاً موجب جابه‌جایی (Displacement) می‌شود و نه کاهش آن.^۲

از طرف دیگر پیش‌گیری اجتماعی به تغییر شرایط جرم‌زایی اجتماعی و اصلاح نگرش‌ها و انگیزه‌های مجرمین تأکید می‌کند و اقدامات خود را بر توسعه طرح‌هایی مانند کلوب‌های جوانان، و پروژهای مبتنی بر فعالیت (activitybased) متمرکز می‌نماید تا مجرمین بالقوه یا بالفعل را از ارتکاب جرایم منصرف کند.^۳ هدف استراتژی‌های پیش‌گیری اجتماعی یا تقویت نهادهای اجتماعی و مؤسسات جامعه‌پذیرکننده به منظور تأثیرگذاری بر گروه‌هایی است که بیشتر در معرض ارتکاب جرم هستند.

۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، مقاله پیش‌گیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵-۲۶، بهار و تابستان ۷۸ و رزنام و... پیش‌گیری وضعی از جرم، ترجمه رضا برویزی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۲.

2. Prevention or displacmnt. Dennis challenger,...

http://www.aic.gov.au/publication/Proceedings/15/challinger_1.Pdf.

3. Gordon Hughes.op. cit. P.20

پیش‌گیری اولیه، ثانویه و ثالث

رویکرد غالب در طبقه بندی انواع پیش‌گیری به خصوص در جرم‌شناسی، عبارت است از تقسیم آن به اولیه (نخستین)، ثانویه و ثالث که از اصطلاحات علم پزشکی اقتباس شده است.

اول: پیش‌گیری اولیه، این نوع پیش‌گیری مشتمل بر اقداماتی است که موجب از بین بردن یا کاهش دادن فرصت‌های مجرمانه می‌شود و یا از به وجود آمدن آنها جلوگیری می‌کند بدون این که به جرم یا مجرم خاصی توجه داشته باشد و قبل از این که هیچ‌گونه علائم و نشانه‌هایی از بزهکاری بروز کرده باشد. «این روش عمدتاً تمایل به تغییر اوضاع و احوال و شرایط جرم‌زای محیط فیزیکی و اجتماعی است (یعنی بهبود شرایط زندگی).^۱»

در این روش تأکید بیشتر بر ممانعت از وقوع عمل مجرمانه است تا تأثیر‌گذاری بر خود مجرم و به همین دلیل شیوه‌های پیشنهادی در این نوع پیش‌گیری با شیوه‌هایی که در پیش‌گیری وضعی توصیه می‌شود شباهت زیادی دارد،^۲ از طرف دیگر این نوع پیش‌گیری بیشتر برای گروه‌هایی توصیه می‌شود که شخصیت آنها هنوز شکل نگرفته، می‌توان با برنامه‌ریزی و آموزش آنها را از ورود به مسیرهای مجرمانه بازداشت.

دوم: پیش‌گیری ثانویه؛ این نوع پیش‌گیری شامل اقداماتی می‌شود که در ارتباط با افراد و گروه‌هایی است که در معرض ارتکاب جرم قرار گرفته‌اند و در صورتی که اقدام بازدارنده‌ای نسبت به آنها صورت نگیرد مرتکب جرم خواهند شد. بنابراین، هدف این نوع پیش‌گیری تشخیص مجرمین بالقوه و مداخله در وضعیت ما قبل جنایی به منظور جلوگیری از وقوع جرم است. تفاوت اصلی این مدل پیش‌گیری از مدل قبل در این است که در پیش‌گیری اولیه برنامه‌ها و اقدامات پیش‌گیرانه به منظور جلوگیری از پدید آمدن وضعیت‌هایی است که می‌تواند منجر به وقوع جرم شود، اما در پیش‌گیری ثانویه تلاش‌ها بر وضعیت‌هایی متمرکز است که قبلاً پدید آمده و موجب قرار گرفتن افراد و گروه‌ها در آستانه ارتکاب جرم شده است.

سوم: پیش‌گیری ثالث؛ این مدل پیش‌گیری عمدتاً ناظر بر اقداماتی است که پس از وقوع جرم برای پیش‌گیری از تکرار جرم صورت می‌گیرد و طیف گسترده‌ای از اقدامات را شامل می‌شود. این اقدامات اگر چه بیشتر بر اصلاح و بازپروری و سازگار نمودن

۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، همان، ص ۱۳۸.

2. The oxford handbook of criminology. P.268.

مجدد بزهکاران تأکید دارد، اما بدون تردید شامل عکس العمل‌های کیفری نیز می‌شود؛ زیرا به اعتقاد بسیاری از جرم‌شناسان دهه‌های اخیر که عدالت کیفری (tustdesert) را جزء لاینفک سیاست جنایی می‌دانند، اعمال کیفر می‌تواند بسیاری از مجرمین را از تکرار جرم باز دارد و انگیزه‌های مجرمانه بالقوه را تحت تأثیر خود قرار دهد. انواع و مدل‌های دیگری برای پیش‌گیری وجود دارد^۱ که به دلیل مشابهت با مدل‌های مذکور از بیان آنها خودداری می‌شود.

ج) ارزیابی مدل‌های پیش‌گیری

رویکرد پیش‌گیرانه به فرایند مبارزه با جرم اگر چه رویکردی ارزشمند و مفید بوده است و تأثیر آن در کاهش آمار جرم و بزهکاری را نمی‌توان انکار کرد، اما در عین حال رویکردی مادی و معطوف به شرایط فیزیکی ارتکاب جرم و حداکثر، بهبود شرایط زندگی و منصرف نمودن انگیزه‌های مجرمانه به سمت فعالیت‌های غیر مجرمانه، می‌باشد. آنچه در این رویکرد کمتر مورد توجه واقع شده است و هیچ کدام از مدل‌های پیش‌گیری به طور جدی به آن پرداخته‌اند، ایجاد تحوّل اخلاقی در انسان و تعالی بخشیدن به بینش‌ها و گرایش‌های او است. این امر مهم و تأثیرگذاری در اصلاح ساختار شخصیت انسان نه تنها به طوری جدی به عنوان یک مدل پیش‌گیری مطرح نشده است، بلکه به نظر می‌رسد نظریه‌های موجود در جرم‌شناسی پیش‌گیرانه به دو دلیل از پرداختن جدی به آن ناتوان است. اول این که ایجاد تحوّل اخلاقی و بهبود بخشیدن شخصیت انسان‌ها به منظور سازگاری هر چه بیشتر با هنجارهای اجتماعی و اجتناب از بزهکاری، مستلزم باورداشتن ارزش‌هایی ثابت و فراگیر و پذیرفتن یک شیوه رفتاری خاص به عنوان الگو و نمونه که همه افراد جامعه باید خود را با آن هماهنگ کنند، می‌باشد در حالی که به نظر می‌رسد جوامع غربی روز به روز از چنین همبستگی اجتماعی و فرهنگی فاصله می‌گیرند و به سمت از هم گسیختگی فرهنگی پیش می‌روند. به اعتقاد آقای رموند گسن جرم‌شناس معروف فرانسوی «با چنین وضع اجتماعی - اخلاقی فروپاشیده، اندیشه باز اجتماعی کردن مجرم و پیش‌گیری بزهکاری برای بسیاری از مردم چه معنا و مفهومی ممکن است در بر داشته باشد؟ باز اجتماعی کردن به چه؟ و پیش‌گیری از چه چیز؟ بدین ترتیب قانون جزا و ممنوعیت‌هایی که این قانون در متن خود

۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، همان، ص ۱۳۷ به بعد.

پیش‌بینی کرده نه فقط برای بسیاری از جوانان، بلکه حتی برای بسیاری از بزرگسالان به کهکشان دور دست می‌ماند که توجه را به خود جلب نمی‌کند. در عوض توجه آنان یکسره به مرام‌های اجتماعی - اخلاقی بسیار متفاوت و بحث‌انگیز معطوف شده است. در این وضع، عدم کارآیی تدابیر کنترل اجتماعی و نیز از هم پاشیدگی نظام‌های سیاست جنایی که توفیق واقعی در امر مهار واقعی که بسیار متنوع و متضاد است، نداشته‌اند، تعجب‌آور نیست.^۱

بخش دوم - پیش‌گیری از جرم در آموزه‌های قرآنی

اسلام که انسان را موجودی برتر و دارای قوا و استعداد‌های فوق‌العاده در مسیر رشد و تعالی می‌داند، ضمن توجه به اهمیت و ضرورت پیش‌گیری از سقوط و انحطاط اخلاقی و عملی انسان این امر را با تربیت روحی و معنوی او پیوند زده است و آموزه‌های متعدد و متنوعی را به این امر اختصاص داده است که توجه و به کارگیری آنها نه فقط موجب پیش‌گیری از وقوع جرم و انصراف درونی از فعالیت‌های مجرمانه می‌گردد، بلکه رشد و تعالی روحی و معنوی انسان را نیز تضمین و او را به هدف والایی که برای آن آفریده شده است نزدیک می‌کند. از میان آموزه‌های دینی که به این مسئله پرداخته است آموزه‌های قرآنی به لحاظ تأثیرگذاری و تنوع و گستردگی از برجستگی خاصی برخوردار است که اقتضا می‌کند به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرند، به ویژه که تاکنون بحث و بررسی خاصی در مورد آنها صورت نگرفته است. این بررسی نشان خواهد داد که اصیل‌ترین متن دینی مملو از آموزه‌هایی است که مستقیم یا غیر مستقیم به پیش‌گیری از جرم و انحراف‌های اخلاقی و رفتاری مربوط می‌شود به گونه‌ای که آموزه‌های کیفی در مقایسه با این آموزه‌ها حجم بسیار کوچکی را به خود اختصاص می‌دهد و یک رویکرد فرعی به فرایند مبارزه با جرم محسوب می‌شود. گفتنی است که در این جستار کوتاه نمی‌توان تمامی آموزه‌های پیش‌گیرانه قرآنی را مورد بررسی قرار داد و تنها به دسته بندی این آموزه‌های و ارائه نمونه‌هایی از هر یک اکتفا خواهد شد، باشد که زمینه برای انجام یک بررسی گسترده و جامع در این خصوص فراهم گردد.^۲ آموزه‌های پیش‌گیرانه در قرآن را می‌توان به سه گروه طبقه‌بندی کرد: گروه اول؛ اعتقادات پیش‌گیرانه. گروه

۱. ریموند گسن «بحران سیاست‌های جنایی کشورهای غربی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، سال ۱۳۷۱، ص ۲۷۵ به بعد.

۲. گفتنی است که این کار به عنوان رساله دکتری توسط نویسنده در دست انجام است.

دوم؛ اخلاقیات پیش‌گیرانه و گروه سوم احکام پیش‌گیرانه. اعتقادات پیش‌گیرانه؛ آموزه‌هایی است که با معتقد نمودن انسان به مبدأ و معاد و تبیین فلسفه حیات، او را در صراط مستقیم کمال قرار می‌دهد و از هر گونه انحراف از مسیر اصلی زندگی حفظ می‌کند. این آموزه‌ها با معنا بخشیدن به زندگی انسان او را از احساس بی‌هویتی و پوچی در زندگی که می‌تواند منشأ گسستگی از ارزشهای انسانی باشد دور می‌کند و با امید بخشیدن به انسان او را در برابر ناملايمات زندگی مقاوم و استوار می‌نماید.

اخلاقیات پیش‌گیرانه؛ که بیشترین حجم آموزه‌های پیش‌گیرانه را به خود اختصاص می‌دهد، آموزه‌هایی است که انسان را به داشتن فضائل و مکارم اخلاقی دعوت می‌کند و ارتباط او را با دیگران به گونه‌ای تنظیم می‌کند که نه تنها به خود اجازه نمی‌دهد به حقوق آنان تجاوز نماید، بلکه خود را ملتزم به نصیحت و خیرخواهی و ایثار و گذشت نسبت به آنها می‌داند.

احکام پیش‌گیرانه؛ قوانین و مقررات و دستوراتی است که التزام به آنها فرد و جامعه را در حالت اعتدال قرار می‌دهد و از به وجود آمدن بحران‌ها و وضعیت‌های جرم‌زا جلوگیری می‌کند. این احکام ضمن فراهم نمودن امکان برخورداری از مواهب طبیعی و تأمین کلیه نیازهای مشروع بشری و تنظیم روابط رسمی انسان‌ها با یکدیگر بر اساس حق و عدل، آنان را از ورود به حریم لغزش‌ها و انحرافات رفتاری حفظ می‌کند. در صورتی که پیش‌گیری کیفری را نیز نوعی پیش‌گیری بدانیم، آموزه‌ها و احکام کیفری قرآنی را نیز می‌توان بخشی از احکام پیش‌گیرانه دانست که از دیدگاه جرم‌شناختی، پیش‌گیری ثالث و یا پیش‌گیری از تکرار جرم محسوب می‌شود.

الف) اعتقادات پیش‌گیرانه

عمیق‌ترین سطح پیش‌گیری، باورد داشتن آموزه‌هایی است که انسان را از لغزش و انحراف بازدارد و همواره او را در مسیر تعالی و رشد نگهدارد. بدیهی است هر چه این باورها در عمق وجود انسان رسوخ کرده باشد، تأثیر آنها بر رفتار انسان بیشتر خواهد بود. اعتقاد به این آموزه‌ها نه تنها مانع از ارتکاب جرم به مفهوم حقوقی آن که تجاوزی آشکار و قابل مجازات به حقوق انسان‌ها است، می‌شود، بلکه انسان را از گرایش به هر نوع رفتاری که برخلاف شأن و منزلت انسانی او است و یا رفتاری که لغو و بیهوده می‌باشد حفظ

می‌کند.^۱ علاوه بر این باور داشتن این آموزه‌ها انسان را در میدان تلاش و مسابقه به سوی نیکی‌ها و انجام اعمال و رفتار پسندیده وارد می‌کند^۲ و به مرحله‌ای از رشد و تعالی معنوی می‌رساند که هرگز میل و اراده‌ای به سوی باطل و فساد در او پدید نمی‌آید.^۳ این اعتقادات خود به چند دسته تقسیم می‌شوند و به مهم‌ترین آنها که بیشترین تأثیر را در پیش‌گیری از جرم دارند اشاره می‌کنیم:

۱. اعتقاد به خداوند و الوهیت او

اعتقاد به خداوند به عنوان خالق و مالک جهان هستی به عنوان زیربنای تمامی اعتقادات دینی نقش اساسی در نظام اعتقادی اسلام دارد به گونه‌ای که انکار خداوند موجب از بین رفتن هر گونه اعتقادی دینی می‌شود. انسان به عنوان بخشی از جهان هستی آفریده خداوند و مسئول و متعهد در برابر او است. مهم‌ترین مسئولیت و تعهد انسان در برابر خداوند اطاعت و بندگی است که فلسفه آفرینش انسان و رمز سعادت او است.^۴ توحید در اطاعت و بندگی انسان را از بندگی غیر او آزاد می‌کند و اساسی‌ترین عامل انحراف از صراحت مستقیم را که تبعیت از شیطان و هوای نفس می‌باشد از بین می‌برد.^۵

۲. اعتقاد به علم و آگاهی خداوند

یکی از مهم‌ترین اعتقادات بازدارنده، اعتقاد به علم خداوند نسبت به همه موجودات و از جمله انسان و اعمال رفتار او است. از دیدگاه قرآن تمام موجودات در محضر خداوند هستند^۶ و هیچ چیزی از آنها بر خداوند پوشیده و پنهان نیست.^۷ انسان نیز به عنوان

۱. وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا (توبه / ۳۱) - وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ (اسراء / ۲۳) - إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (آل عمران / ۵۱).
۲. أَنْتُمْ أَهْبَدُ إِلَيْكُمْ يَنْبَغِي عَادِمٌ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ (يس / ۶۰) - أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ (فرقان / ۲۳) - وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ (قصص / ۵۰).
۳. قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (مؤمنون / ۳-۱) - وَإِنَّا مُرُوا بِاللَّغْوِ مَرُوءًا كِرَامًا (فرقان / ۷۲).
۴. يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران / ۱۱۴).
۵. أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا شَاقِقُونَ (مؤمنون / ۶۱) - تِلْكَ الْأَمْثَلُ الْأَخْرَجَ نَجَعَهَا لِلَّذِينَ لَا يُبْرِدُونَ غُلُوقًا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا (قصص / ۸۳).
۶. أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنْهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (فصلت / ۵۳). إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (نساء / ۳۳).
۷. إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (آل عمران / ۵).

بخشی از عالم هستی تحت احاطه علمی خداوند قرار دارد و نه تنها اعمال و رفتار ظاهری او، بلکه افکار و اندیشه‌ها و خطورات قلبی و آنچه را با خود حدیث نفس می‌کند، برای خداوند معلوم و مشهود است.^۱ از دیدگاه قرآن رابطه تکوینی خداوند با انسان به گونه‌ای است که خداوند از رگ‌گردن به انسان نزدیک‌تر است^۲ و بلکه بین انسان و قلب او حائل است.^۳ اعتقاد به این آموزه‌ها موجب می‌شود که انسان همواره خود را تحت نظارت خداوند متعال بداند و نه تنها اعمال و رفتار ظاهری خود را کنترل نماید، بلکه درون خویش را نیز از هرگونه آلودگی و فکر و نیت ناپسند حفظ نماید و از آنجا که اعمال و رفتارشان ظهور افکار و اندیشه‌های او است، طبیعی است که با کنترل و هدایت افکار و اندیشه‌های انسان، رفتار او نیز اصلاح خواهد شد و ریشه انحراف و کج‌رفتاری از بین خواهد رفت.

اعتقاد به تأثیر اعمال و رفتار انسان بر سرنوشت او

یکی دیگر از آموزه‌های اعتقادی که می‌تواند تأثیر زیادی بر کنترل رفتار انسان داشته باشد، باور داشتن تأثیر عمل بر شخصیت و هویت انسان و در نتیجه سعادت یا شقاوت او است. هویت انسان تحت تأثیر دو عامل اساسی؛ یعنی عقیده و عمل قرار دارد. عقیده زیر بنای عمل و عمل نیز مؤثر بر عقیده این دو در تعامل با یکدیگر هویت انسان را شکل می‌دهند. از دیدگاه قرآن، ایمان به تنهایی و بدون عمل صالح برای سعادت انسان کافی نیست، لذا همواره ایمان و عمل صالح با هم به عنوان رمز سعادت انسان بیان شده است.^۴ از طرف دیگر عمل ناپسند و تخلف از اصول انسانی و اسلامی نه تنها موجب تضعیف اعتقادات صحیح انسان می‌شود،^۵ بلکه سرانجام غیر قابل تحملی را نیز برای انسان رقم می‌زند و او را از رسیدن به سعادت باز می‌دارد.^۶ ارتکاب این اعمال رفته رفته

۱. يَتْلُمُ سِرِّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ (انعام / ۲۳۵) - وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (نحل / ۱۹) وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَدَّوْنُ وَمَا تَكْتُمُونَ (نور / ۲۹) - ... وَنَعْمَ مَا تَوْسَّوْا بِهِ نَفْسَهُ (ق / ۱۶) يَعْلَمُ خَائِبَةٌ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (غافر / ۱۹) وَاعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِيْ اَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوْهُ (بقره / ۲۳۵).

۲. وَنَحْنُ اَقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (ق / ۱۶).

۳. وَاعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ يَحُوْلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ... (انفال / ۲۴).

۴. قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْاَخْسَرِيْنَ اَعْمَلًا (كهف / ۱۴) - اَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ نِبْيَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَفَرَ بِرَبِّهِ لَهٗ سُوْءَ عَمَلٍ (محمد / ۱۴).

۵. ثُمَّ كَانَ عَقِيْبَةَ الَّذِيْنَ اٰسْتَوٰٓا اَسْوَآى اَنْ كَذَّبُوْا بِآيٰتِ اللّٰهِ وَكَانُوْا بِهَا يَسْتَهْزِءُوْنَ (روم / ۱۰).

۶. اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْسِبُوْنَ الْاِثْمَ سَجُزُوْنَ بِمَا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ (انعام / ۱۲۰) - سَيُصِيبُ الَّذِيْنَ اٰجْرَمُوْا صَعَارٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَعَذَابٌ شَدِيْدٌ (انعام / ۱۲۲) - اِنَّهٗ مِنْ يٰتِ رَبِّهٖ مُجْرِمًا فَاِنَّ لَهٗ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيْهَا وَلَا يَحْيٰى (طه / ۷۴).

هویت انسان را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که نه تنها از انجام این‌گونه اعمال احساس ناراحتی نمی‌کند، بلکه رفتار خود را صحیح و پسندیده می‌داند و به انجام آنها مغرور و مسرور می‌شود.^۱

اعتقاد به معاد و تحقق عدالت و قسط کامل

یکی از مؤثرترین اعتقادات پیش‌گیرانه، اعتقاد به تجدید حیات انسان پس از مرگ و بازگشت به سوی خداوند و رسیدن به نتیجه اعمال و رفتاری است که در حیات مادی از انسان سر زده است. از دیدگاه قرآن تحقق این و عده الهی تخلف‌ناپذیر است^۲ و دلایل زیادی نیز بر آن اقامه شده که در محل خود بیان شده است. معاد از دیدگاه قرآن تجلی‌گاه عدل و قسط خداوند و هنگام رسیدن انسان به اعمال نیک و بد خویش است. مجرمینی که بدون توبه و اصلاح نفس خویش در پیشگاه عدل الهی حاضر شوند، سر افکنده و حقیر خواهند بود و با عذاب شدید و تحمل‌ناپذیر الهی مواجه خواهند شد،^۳ به گونه‌ای که حاضر می‌شوند برای نجات خویش فرزندان و برادران و دوستان و خویشاوندان و حتی همه انسان‌های روی زمین را فدیة دهند تا از عذاب رهایی یابند.^۴ در حالی که هرگز چنین نخواهد شد و اگر کسی که ظلم به دیگران نموده است مالک همه آنچه روی زمین است باشد، آن را به عنوان فدیة در برابر عذاب الهی از او نمی‌پذیرند.^۵ رسیدگی به حساب مجرمین آن چنان دقیق خواهد بود که وقتی پرونده آنان در محکمه عدل الهی باز می‌شود به شدت هراسناک و با تعجب سؤال می‌کنند این چه کتابی است که هر عمل کوچک و بزرگی را ثبت و شمارش کرده است و تمام اعمال و رفتار خود را عیناً حاضر می‌بینند و مشاهده می‌کنند،^۶ و از مشاهده اعمال و رفتار بد و ناشایست خود آن چنان ناراحت می‌شوند که آرزو می‌کنند ای کاش بین آنها و اعمالشان فاصله بسیار زیادی

۱

۲. وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَتَّبِعُ مَنْ فِي الْفُجُورِ (حج / ۷).

۳. سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ (انعام / ۱۲۴). وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ مَا كَسَبُوا زُهوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ (سجده / ۱۲).

۴. يُنصِرُونَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِحْسَانًا لِّئَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مجادل / ۱۷). وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَمِيماً ثُمَّ يُنصِبِهِ (مآثر / ۱۱-۱۴).

۵. وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (برنس / ۵۴).

۶. وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لَنَا مِنْ الْقِسْطِ لَآئِبَارٍ صَغِيرَةٍ وَلَا كِبِيرَةٍ إِلَّا أَحْسَنْنَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَنْظِلُ مِنْ رَبِّكَ أَحَدًا (كهف / ۲۹).

می‌بود.^۱ آموزه‌های قرآنی در این زمینه بسیار زیاد است و در اینجا فقط به عنوان نمونه به بعضی از آنها اشاره شد. بدون تردید اعتقاد راسخ به این آموزه‌ها بزرگ‌ترین مصونیت را در برابر هر گونه ظلم و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران برای انسان ایجاد می‌کند. منافعی که انسان از راه تجاوز به حقوق دیگران می‌تواند تحصیل کند نسبت به سختی و شدت عذابی که در برابر آن مهیا شده است آن چنان حقیر و ناچیز است که هیچ انسان عاقل و دوراندیشی حاضر به چنین معامله‌ی زیان‌باری نخواهد شد؛ به خصوص با توجه به این امر که این منافع، منافعی زودگذر و زوال‌پذیرند و حداکثر تا پایان عمر انسان با وی همراهند، اما مجازات ناشی از مجازاتی همشگکی است و هیچ‌گیزی از آن وجود ندارد. بدیهی است راه توبه و بازگشت که خود نوعی صلاح درونی است همواره به روی مجرمین و ستم‌گران باز است و آنان می‌توانند از این راه استفاده کنند که هم موجب جبران گذشته و هم تأمین آینده می‌شود و بهترین و مطمئن‌ترین شیوه برای پیش‌گیری از تکرار جرم و بازگشت به تبه‌کاری است. در اینجا به منظور رعایت اختصار از پرداختن به سایر آموزه‌های اعتقادی پیش‌گیرانه در قرآن صرف نظر نموده و به اخلاقیات پیش‌گیرانه می‌پردازیم.

ب) اخلاقیات پیش‌گیرانه

جرم و بزه‌کاری محصول زندگی جمعی و روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر است. در این تعامل اجتماعی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر این روابط خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی است که افراد جامعه از آن برخوردارند و در رفتار خود بروز می‌دهند. بدیهی است هر چه این ویژگی‌ها انسانی‌تر و متعالی‌تر باشند روابط اجتماعی نیز لطیف‌تر و دقیق‌تر خواهد بود و برعکس چنانچه این ویژگی‌ها غیر انسانی و برخاسته از روحیه خودخواهی و منفعت‌طلبی و بی‌توجهی به حقوق و مصالح دیگران باشد، روابط افراد با یکدیگر تنش‌زا و جرم‌خیز خواهد بود. این واقعیت عینی و قابل مشاهده موجب می‌شود که ما آموزه‌های اخلاقی را دارای آثار بازدارنده و پیش‌گیرانه بدانیم، اما توجه به این مسئله لازم است که تأکید دین بر آموزه‌های اخلاقی صرفاً برای رسیدن به این آثار نیست و دین آموزه‌های اخلاقی را ابزاری برای رسیدن به این هدف نمی‌داند، بلکه تأکید دین بر آموزه‌های اخلاقی به دلیل اهمیت و نقش اساسی آنها در تعالی روحی و معنوی

۱. یَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا (آل‌عمران / ۳۰)

انسان و تحقق بخشیدن به فلسفه وجودی او است. در این قسمت نیز به بعضی از آموزه‌های اخلاقی که می‌تواند در پیش‌گیری از وقوع جرایم و انحرافات نقش داشته باشد اشاره می‌شود.

۱. توصیه و تشویق به رعایت تقوا

تقوا و رعایت حدود الهی به عنوان مهم‌ترین ارزش اخلاقی که انسان را به انجام وظایف خود و دوری از جرایم و انحرافات، ملزم می‌نماید مورد تأکید و توصیه مکرر قرآن قرار گرفته است به گونه‌ای که هیچ ارزش اخلاقی دیگری اندازه تقوا مورد سفارش و دستور خداوند قرار نگرفته است،^۱ و هیچ گروهی مانند متقین مورد ستایش واقع نشده‌اند.^۲ این ویژگی مهم اخلاقی که ثمره ایمان و اعتقاد انسان به خداوند و بازگشت به سوی او می‌باشد، به عنوان تنها راه سعادت و رستگاری انسان^۳ تأثیر شگرفی در تمامی رفتارها و تعاملات انسان با دیگران خواهد داشت به گونه‌ای که انسان با تقوا قبل از انجام هر عملی آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و تنها در صورتی که آن را مطابق با معیارهای الهی و انسانی بداند، اقدام می‌کند و در غیر این صورت هرگز مرتکب آن نخواهد شد، علاوه بر این برخورداری از این ویژگی اخلاقی انسان را نسبت به اعمال و رفتار دیگران نیز حساس و مسئول قرار می‌دهد به گونه‌ای که سعی می‌کند دیگران را نیز به انجام رفتارهای پسندیده سفارش و از انجام کارهای ناپسند باز بدارد.

۲. توصیه به عفو و گذشت

بسیاری از جرایم مسبوق به یک تحریک از طرف منجی علیه می‌باشد به گونه‌ای که جرم شناسان شاخه جدیدی علم برای جرم‌شناسی ایجاد کرده‌اند که به نقش مجنی علیه در وقوع جرم می‌پردازد و به عنوان بزه دیده‌شناسی (Victimology) از آن یاد می‌کنند. البته این نقش بسیار گسترده است و از ابعاد مختلف قابل بررسی می‌باشد، اما از یک بُعد می‌توان به تأثیر اعمال و رفتار نامناسب و غیر منطقی یک انسان در تحریک دیگری به

۱. حدود ۱۱۰ آیه در قرآن کریم دستور به رعایت تقوا داده است.

۲. وَالْعَنَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (اعراف / ۱۷۸) إِنَّ اللَّهَ يُجِبُ الْمُتَّقِينَ (توبه / ۷) وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (بقره / ۱۹۴) لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ (نحل / ۳۱) وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (زخرف / ۳۵) وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (جانبه / ۱۹) إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ (قمر / ۵۴).

۳. إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (نبا / ۳۱).

ارتکاب جرم اشاره کرد. یکی از ارزش‌های اخلاقی که می‌تواند این عامل جرم‌زا را خنثی کند و حتی تأثیر سازنده بر طرف مقابل نیز داشته باشد، عفو و گذشت و پاسخ دادن بدی با نیکی و رفتار پسندیده است.

از دیدگاه قرآن اگر چه مقابله به مثل در برابر رفتار ظالمانه دیگران به عنوان یک حق پذیرفته شده است^۱ عفو و گذشت و بردباری در برابر ظلم دیگران نیز به عنوان یک ویژگی اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته است.^۲ برخوردار از این ویژگی موجب می‌شود که انسان خشم و غضب ناشی از رفتار دیگران را که می‌تواند منشأ عکس‌العمل‌های شدید بشود، کنترل نماید و از به وجود آمدن تنش و درگیری در روابط خود با دیگران جلوگیری کند. مرحله بالاتر در مواجهه با رفتار تنش‌زای دیگران این است که انسان در مقابل این رفتار، رفتاری پسندیده از خود نشان دهد و با این عکس‌العمل طرف مقابل را تحت تأثیر قرار داده و او را نیز متحول کند. از دیدگاه قرآن این ویژگی اخلاقی موجب می‌شود که عداوت و دشمنی که ریشه بسیاری از جرایم است به دوستی و محبت تبدیل شود و روابط افراد با یکدیگر روابطی دوستانه و محبت‌آمیز گردد.^۳

۳. توصیه به انفاق، احسان و ایثار

بدون تردید منشأ بخشی از جرایم و انحرافات اخلاقی و اجتماعی، محرومیت‌های اقتصادی و مادی است.^۴ به دلایل متعددی همواره طبقات و گروه‌هایی در جامعه وجود دارند که از تأمین حداقل نیازهای مادی خود ناتوانند و از داشتن حداقل امکانات زندگی محروم، و این محرومیت می‌تواند منشأ رفتارهای انتقام‌جویانه و یا جرایمی گردد که هدف از ارتکاب آنها دست یافتن به حداقل امکانات زندگی و رفع محرومیت است.

در قرآن راه کارهای متعددی برای رفع محرومیت و تأمین نیازمندی‌های طبقات محروم جامعه ارائه شده است که مهم‌ترین آنها انفاق مال^۵ و احسان^۶ به آنها است. انفاق

۱. وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ، وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا (شوری / ۳۹).

۲. وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (شوری / ۳۷) وَالْكَبِيرِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران / ۱۳۴) وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نبا / ۱۴) وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تَحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نور / ۲۲)

۳. أَدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ (مؤمنون / ۹۶) أَدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ (فصلت / ۳۴).

۴. يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفَعُوا مِمَّا رَزَقْنَكُمْ (بقره / ۲۵۴) تَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَأَنْفَعُوا (حدید / ۷).

۵. وَأَخْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (بقره / ۱۹۵)

و احسان در مواردی تحقق پیدا می‌کند انسان آنچه را افزون بر نیاز خود دارد در اختیار نیازمندان قرار دهد، اما مرحله بالاتری را نیز قرآن بیان می‌کند که از آن به ایثار نام می‌برد و آن ترجیح دادن دیگران به خود و تأمین نیازمندی‌هایی دیگران علی‌رغم نیاز خویش است.^۱ البته این ویژگی اخلاقی بسیار بالایی است که امکان دسترسی به آن بسیار مشکل است.

۴. توصیه به حسن ظن

یکی از آموزه‌های اخلاقی دیگر که می‌تواند اثر پیش‌گیرانه داشته باشد و از بروز تنش و درگیری در روابط افراد با یکدیگر جلوگیری کند، حسن ظن به دیگران در اعمال و رفتاری است که از آنها سر می‌زند. نوع سوء ظن و بدگمانی به دیگران، منشأ پدید آمدن تصورات غیر واقعی نسبت به آنان و در نتیجه دگرگونی در روابط با آنها خواهد شد، به همین دلیل آموزه‌های اخلاقی اسلام، انسان‌ها را به حسن ظن بر بهترین وجه ممکن توصیه کرده است و سوء ظن به دیگران را در بسیاری از موارد نه تنها امری غیر اخلاقی، گناه و معصیت دانسته است و از آن نهی نموده است.^۲ از دیدگاه جرم‌شناختی نیز سوءظن به دیگران و افراط در این امر می‌تواند موجب پدید آمدن بیماری توهم نسبت به آنان و در نتیجه دشمن دانستن آنان و حتی تلاش برای از بین بردن دشمنان فرضی بشود که خود یک عامل جرم‌زا است. البته آموزه‌های اخلاقی پیش‌گیرانه دیگری نیز در قرآن وجود دارد که در این مختصر از پرداختن به آنها خودداری می‌شود.

ج) احکام و مقررات پیش‌گیرانه

بخش دیگری از آموزه‌های پیش‌گیرانه قرآن، احکام الزامی (اوامر و نواهی) مربوط به مسائل فردی و اجتماعی است. این احکام که به صورت واجبات و محرمات رعایت آنها ضروری است و عدم رعایت آنها علاوه بر عقوبت اخروی، مجازات دنیوی را نیز به دنبال خواهد داشت می‌توانند نقش مؤثری در پیش‌گیری از وقوع جرم و انحراف ایفا نمایند. این احکام به حوزه‌های مختلفی مربوط می‌شوند که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْمَةَ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حشر / ۹).

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ... (حجرات / ۱۲) أُولَٰئِكَ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (نور / ۱۲).

۱. وجوب نماز یا ذکر مستمر

یکی از احکام الزامی و بسیار مهم قرآنی که می‌تواند نقش مؤثری در باز داشتن انسان از هر گونه انحراف و کجروی داشته باشد، وجوب به پاداشن نماز است. نماز به عنوان فریضه‌ای که بعد از ایمان مطرح گردیده است^۱ پیوسته انسان را به یاد خداوند و بازگشت به سوی او متذکر می‌شود.^۲ این تذکر دائمی و مستمر که در هر شبانه روز پنج نوبت در زمان‌های مشخصی تکرار می‌شود چنانچه با رعایت کلیه شرایط بادی و معنوی^۳ آن انجام شود نه تنها انسان را از انحرافات اخلاقی^۴ و رفتاری^۵ حفظ می‌کند بلکه می‌تواند انسان را به بالاترین درجه کمال انسانی برساند و معراج او باشد. با توجه به این نقش سازنده و تأثیر گذار، قرآن نسبت به بی‌توجهی به نماز هشدار داده است^۶ از انجام این فریضه در شرایطی که نمی‌تواند تأثیر گذار باشد نهی کرده است^۷ و از این هشدارها می‌توان راز عدم تأثیرگذاری نماز بر بسیاری از افراد را دانست و پاسخ این پرسش که چرا بعضی از نمازگزاران نیز مرتکب جرم می‌شوند را، به دست آورد.

۲. وجوب روزه یا مجاهده با نفس

یکی دیگر از احکام عبادی پیش‌گیرانه، روزه داری است. این عبادت نیز مانند نماز در راستای استکمال نفس انسان تشریح شده است و ماهیت آن به گونه‌ای است که انسان را بر خویشتن مسلط می‌سازد و توانایی مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع را به او می‌دهد. از آنجا که یکی از مهم‌ترین عوامل ارتکاب جرم و گرایش به انحراف از دیدگاه اسلام هوای نفس و خواسته‌های انسانی است، روزه داری که سرچشمه تمرین پشت‌پازدن به این خواسته‌ها است، امکان کنترل درونی آنها را فراهم می‌کند و یک مانع قوی در برابر آنها ایجاد می‌کند. این عبادت گرچه ممنوعیت از امور خاصی را در ساعات معین بر انسان الزام نمی‌کند، اما از آنجا که رعایت همین ممنوعیت‌ها موجب تقویت

۱. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ (بقره/ ۲) - قُلْ لِيَعْبُدِيَ الَّذِينَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَقِيمُوا الصَّلَاةَ (ابراهيم/ ۳۱).

۲. إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه / ۱۴)

۳. وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (معاوج / ۳۴) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَشِيعُونَ (مؤمنون / ۲).

۴. يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَى (نساء / ۴۳).

۵. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ ﴿١﴾ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ﴿٢﴾ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ﴿٣﴾ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (معاوج / ۱۹ - ۲۳).

۶. إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت / ۴۵).

۷. قَوْلِيلَ لِلْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (ماعتون / ۴).

اراده انسان و سلطهٔ بر خود می‌شود، انسان را در برابر هر خواستهٔ نامشروع و ارادهٔ مجرمانه مقاوم و استوار می‌نماید. از دیدگاه قرآن روزه داری موجب رسیدن به ارزش متعالی تقوا و پرهیزکاری است^۱ که خود مهم‌ترین ویژگی اخلاقی بازدارنده و پیش‌گیرانه است.

۳. وجوب امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت عمومی

یکی از احکام اجتماعی الزام آور که می‌تواند نقش مهمی در پیش‌گیری از جرم و کنترل و نظارت اجتماعی داشته باشد امر به معروف و نهی از منکر است. از دیدگاه قرآن در یک جامعهٔ اسلامی انسان‌ها نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند و موظف به نظارت و نصیحت و خیر خواهی نسبت به یکدیگر می‌باشند.^۲ این فریضه که در قرآن مقدم بر نماز^۳ و مقتضای ایمان به خداوند و روز قیامت دانسته شده است،^۴ ضمانت اجرای عمومی برای تحقق همهٔ ارزش‌های متعالی و محو همهٔ اشکال انحراف و کجروی است. بدیهی است که کار آمد شدن این مکانیزم بازدارنده، جلوگیری از هرگونه سوء استفاده از آن منوط به تحقق شرایط اجرای این فریضه است.

مکانیزم بازدارندگی در امر به معروف و تلاش برای تحقق ارزش‌های متعالی در جامعه، به صورت بهبود بخشیدن به شرایط و اوضاع و احوال فکری و فرهنگی و رفتاری است که می‌تواند بسیاری از زمینه‌های بزهکاری و کجروی را از بین می‌برد. اما مکانیزم بازدارندگی در نهی از منکر و جلوگیری از وقوع پدیده‌های ناپسند در جامعه علاوه بر اینکه به صورت نهی از استمرار و ادامهٔ رفتارهای ناپسند و در نتیجه ممانعت از تکرار این رفتارها در جامعه تحقق پیدا می‌کند، می‌تواند در قالب نهی نمودن از اموری که زمینه و مقدمهٔ جرم و کجروی است نیز اعمال شود چه اینکه مسلماً وجوب نهی از منکر به وجوب نهی از مقدمات در زمینه‌های آن نیز تسری پیدا می‌کند، به این ترتیب انجام صحیح این فریضه الهی که تکلیفی بر دوش کلیه افراد جامعه است می‌تواند به مراتب بیش از نظارت و کنترل رسمی که توسط نیروهای دولتی اعمال می‌شود، انحراف و بزهکاری را کنترل نماید و فضای جامعه را سالم و سازنده نگهدارد.

۱. يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران / ۱۱۴).

۲. يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كِتَابَ عَلَيْكُمْ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (البقرة / ۱۸۳).

۳. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ ءَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (توبه / ۷۱).

۴. يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ (توبه / ۷۱).

احکام و جویی بازدارنده، مصادیق متعدد دیگری نیز دارد، مانند وجوب رعایت حجاب و این موارد به عنوان نمونه مطرح گردیده، علاوه بر اینکه احکام تحریمی بازدارنده، مانند حرمت ربا، حرمت شرب خمر، حرمت قمار، حرمت نگاه به نامحرم، حرمت اکل مال به باطل و غیره که هر کدام نقش به سزایی در پیشگیری از وقوع جرم دارند که به دلیل رعایت اختصار از بیان آنها خودداری می شود.

نتیجه گیری

مکتب انسان ساز اسلام که اهداف بسیار بلندی را برای انسان ترسیم نموده و برنامه تربیتی خاصی را برای او در نظر گرفته است با توجه به خصوصیات و ویژگی ها و توانی های انسان و موانعی که بر سر راه تکامل او وجود دارد، بخشی از آموزه های خود را پیشگیری از سقوط و انحراف انسان و گرایش او به سمت رفتارهای غیر معقول و غیر منطقی که بعضاً جرم نیز محسوب می شوند، اختصاص داده است. بدیهی است این آموزه ها در راستای اهداف بلند تکاملی انسان ارائه شده اند که می توانند علاوه بر پیشگیری از سقوط انسان، او را به سمت آن اهداف متعالی حرکت دهند و او را به فلسفه وجودی خود نزدیک تر کنند و این یکی از مهم ترین تفاوت های آموزه های پیشگیرانه اسلام با سایر آموزه های پیشگیرانه که در مکاتب جرم شناختی ارائه شده اند می باشد. در مکاتب دیگر هدف از ارائه راه کارهای بازدارنده صرفاً جلوگیری از وقوع جرم است نه لزوماً تأثیرگذاری به مجرم، در حالی که اسلام در آموزه های خود هدف اصلی را تربیت انسان قرار داده است و پیشگیری از ارتکاب جرم نیز به عنوان یک نتیجه منطقی و قهری تحقق می یابد. البته توجه به این امر لازم است که این آموزه ها به لحاظ تئوری، آثار بازدارندگی قوی و تأثیرگذاری دارند، اما به لحاظ عملی به دلایل مختلفی ممکن است این آثار تحقق پیدا نکنند که به نظر می رسد مهم ترین مانع بر سر تحقق آثار بازدارندگی این آموزه ها عدم اعتقاد راسخ به آنها در مقام نظر و عدم پای بندی به آنها در مقام عمل است که باید برای رفع آن کوشید.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابهری، محمدعلی، اسلام و دفاع اجتماعی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۳. ریموند گسن، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، ۱۳۷۰، بی‌جا.
۴. _____، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، ۱۳۷۰، بی‌جا.
۵. ژان پراون، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، ۱۳۷۲.
۶. ژرژ پیکا، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، ۱۳۷۰.
۷. سزار (چزاره) کیا رایا، رساله جرائم و مجازاتها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، ۱۳۶۸.
۸. سلیمی، علی، جامعه‌شناسی کجروی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
۹. کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، تهران، ۱۳۶۹.

مجلات

۱. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵-۲۶.
۲. مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۴۲.
۳. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰.

منابع انگلیسی

- 1) understanding crime Prevention, Godon Hagh.
- 2) The ontord hand book of criminology, Mike Maguire,... 1997.
- 3) crime prevention, stenen P. Lab. 1992.